

# انتخابات مجلس مؤسسان

۱۳۰۴ ش.

(قسمت اول)

## محمود دلفانی

بودند (۳).

در چنین جامعه‌ای به لحاظ سیاسی، رفتار سیاسی نوده مردم در روند انتخابات در نظام مشروطه مصلحتی، چگونه تعریف می‌گردد؟ کشوری که بیش از نود درصد آن کاملاً بی‌سواد هستند، عملکرد آگاهانه چه معنایی دارد؟

این سؤالات در زمینه انتخابات مجلس مؤسسان ابجد دیگری می‌باید، مدین صورت که پس از گذشت چهار سال از ملطه نظامی و سپس سیاسی رضاخان (از کودتای ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۴) و فعالیت و اقدامات گوناگون او در بدست گرفتن احرم‌های قدرت، تلاش در نفوذ در مجلس پنجم و ... مسئله مراجعه به آرای عمومی چگونه تعیین می‌گردد؟ یا اگر انتقال سلطنت از روی جبر و فشار تحقق یافته، ضرورت طرح و اجرای دموکراتیک و قانونی آن چه بوده است؟

از آن جا که تاکنون تحقق مستند و جداگانه‌ای درباره انتخابات مجلس مؤسسان تحقق نیافته، لازم است ابتدا با تکیه بر اسناد و منابع درباره روند تاریخی آن مختصری نوشته و از آن پس در مقاله‌ای جداگانه به این سؤالات پاسخی سنده و مستند داده شود.

به شکست انجامیدن غوغای جمهوری خواهی، که زمانی اندک پس از گشایش مجلس پنجم از سوی هواداران رضاخان سردار سپه در نقاط مختلف کشور برپا شده بود، روند روبه رشد قدرت‌گیری او را با مشکلات جدی مواجه ساخت که ناچار چرخش در سیاست و استفاده از سایر عناصر را به دنبال داشت.

رویکرد رضاخان، از این پس، در فرو کاستن بیش از پیش پایه‌های قدرت سیاسی و مشروعیت قانونی سلسله قاجاریه با کار بست احرم‌های مورش سیاسی مانند احزاب سیاسی، نمایندگان اکثریت مجلس، نیروهای نظامی و ... صورت پذیرفت.

سامان و سازماندهی این نیروها و هدایت آن در جهت ایجاد زمینه‌های سیاسی و اجتماعی سقوط قاجاریه و به کسوت سلطنت

«نظام‌های انتخاباتی فوق‌العاده پیچیده‌اند. بی‌خبری از آنها و بد فهمیدنشان امری است رایج و مسکن است مورد بهره‌برداری کسانی قرار گیرد که در عین احترام به دموکراسی، نفع واقعی‌شان در عقیم کردن آن باشد (۱)»

## پیش‌درآمد بحث:

انتخابات در چارچوب نظام پارلمانی (Parliamentary)، از شاخصه‌های جامعه مدنی و مشارکت سیاسی مردم می‌باشد. بویژه که حوزه این انتخاب تشکیل مجلس مؤسسان باشد که تعیین‌کننده سرنوشت سیاسی کشور است.

بدیهی است انتخابات دموکراتیک مستلزم وجود نظام سامان یافته سیاسی و فرهنگ و رفتار اجتماعی و هم‌اندیشی (Syncretism) سیاسی است و انجام آن در چارچوب ساختارهای بنیادین در بستر تفکر دموکراتیک تحقق‌پذیر است. کارکردها و کارآمدی این شاخص بستگی به حرکت نظام سیاسی و ویژگی‌های آن دارد.

انجام انتخابات در چارچوب نظام سیاسی مشروطه سلطنتی در اواخر دوره قاجار - از آن جایی که نهادهای دموکراتیک پدید نیامده بود - با آشفتگی در طرح و اجرا روبه‌رو بود (۲). به نظر می‌رسد وجود نظام ایلیاتی و نفوذ آن بر ساختار و نهادهای سیاسی و اجتماعی، نفوذ سیاسی دول خارجی، فقدان اندیشه و اندیشه‌وران سیاسی، وجود برخی انگاره‌های فرهنگی و مذهبی و ... بر بدنه این نظام نوییاد فشار وارد می‌ساخت.

با بررسی ساختار قدرت در دوره استقرار مشروطیت و سازمان سیاسی ایران در دوره رضاشاه درمی‌یابیم که اساساً ادبیات سیاسی مشروطه در میان سطوح مختلف اجتماع پدید نیامد، و علمای دینی و نجیبگان سیاسی (Elite) - که نوعاً فعالان سیاسی بودند و اندیشمندان سیاسی - و نظام ایلیاتی، منشاء اثر تحرکات و رفتار سیاسی



نمایندگان ماده واحده انقراض قاجاریه، پیش نهاد داور و سایر هواداران رضاحان را در حوضخانه مدرسه سپهسالار به سرعت برق (۸) امضا کردند.

در این که برخی وکلا را مجبور به امضای این ماده واحده کردند تردیدی نیست، همانطور که طهماسبی فضای آن اتفاق تاریخی را چنین بیان می کند که «چون ملت وسیله موفقیت را تعجیل کرده بود، از این خون گرمی و کلا و طرح مزبور چندان حس امتنان ابراز نکرده، چه، آن که خود می توانستند طرح مزبور را اجرا نمایند، قطع تأثیری که داشت صاحبان امضا را از خطر محفوظ داشت (۹)، ولی این را نباید از نظر دور داشت که مخالفین رضاحان در فراکسیون اقلیت، درصد کمی از نمایندگان را شامل می شدند.

طرح انقراض سلطنت قاجار در هشتم آبان ماه ۱۳۰۴ با امضای ۷۵ نفر از وکلای مجلس از جمله داور، اخگر، کی استوان، امیراعظم، اسعدبختیاری، محمدولی آسدی، حسین اسفندیاری، حسین دادگر، مرتضی بیات، حائری زاده، حایم و ... ارائه گردید که در نهم آبان در جلسه عینی مجلس شورای ملی تصویب و اعلام گردید. مفاد این ماده واحده از این قرار بود:

«نظریه این که عدم رضایت از سلطنت قاجاریه و شکایاتی که

در آمدن سردار سپه نکند و تدریجی اما پیوسته و مداوم (۴) بود، در این راستا و «با خروج احمدشاه از ایران ... گم های اولیه برای استفاده از نیروهای فراگیریه وجود آمده و رضاحان ایبه تحکیم موقعیت خود پرداخت (۵)».

حضور و نفوذ رضاحان در رأس دولت و نیروهای نظامی، غیبت طولانی احمدشاه در رأس هرم قدرت، کمبودی بود که موازنه قدرت را به سود هواداران خلع قاجاریه تغییر می داد. غیبت احمدشاه که در اثر اقدامات رضاحان - مانند بلوای نان و اربعاب و ایجاد ناامنی - طولانی شده بود، برنامه های مخالفین رضاحان را با مانع مواجه می ساخت.

نقطه اتکالی اهرم فشار رضاحان، فراکسیون اکثریت هوادار انقراض قاجاریه بود که با استناد به بی شمار تلگراف ها و بیاتیه ها و نامه های افراد، گروهها، انجمن های سیاسی و ... از نقاط مختلف کشور، خواستار الغای سلطنت معطله (۶) «قاجاریه بودند. تأکید بر این مسئله چندان بود که سرلشکر امیر طهماسبی - حاکم نظامی تهران - می نویسد: «دولت و وکلای پارلمان موجودیت خود را در مخاطره دیدند؛ چه، چنین سیل بیان کنی قابل مقاومت نبود و تمام عوایق و موانع را از جای خود کنده و با خود می برد (۷)» و این گریه مطلب را بی می گیرد که

از این خانواده می شود به درجه ای رسیده که مملکت را به مخاطره می کشاند. نظریه این که حفظ مصالح عالی مملکت مهترین منظور و اولین وظیفه شورای ملی است و هر چه زودتر به بحران فعلی باید خاتمه داد، امضاکنندگان یا قید دو فوریت پیشنهاد می کنیم به مجلس شورای ملی تصمصیم ذیل را اتخاذ نماید.

ماده واحده (مجلس شورای ملی به نام سعادت ملت، انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص آقای رضاخان پهلوی واگذار می کند، تعیین تکلیف قطعی حکومت موکول به نظر مجلس موسسان است که برای تغییر مواد ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل می شود (۱۰)).

این طرح به تصویب اکثریت ۸۱ نفر از عده حاضر ۸۵ نماینده مجلس رسید و به دنبال آن رضاخان سردار سپه، به عنوان رئیس دولت، از طرف مجلس مسؤول اجرای انتخابات و تشکیل مجلس موسسان گردید.

نخستین اقدام رضاخان در تدارک مقدمات انتخابات، لغو حکومت نظامی در نقاط مختلف کشور و برگزاری انتخابات مجلس موسسان بدین مضمون اعلام شده بود:

«اعلان موسسان - در نظر داریم که مجلس شورای ملی - پس از انقراض سلطنت قاجاریه و تعیین حکومت قطعی پایه ملت یعنی مجلس موسسان واگذار نموده بدیهی است ابراز حق حاکمیت ملل فقط روی قاعده انتخاب است و این اصل چون مستقیماً زیرمکن بود لابد با دست نمایندگان ملت باید انجام بگیرد و چون انتخاب با حکومت نظامی مناسبت قانونی نداشت، لذا در تعقیب همین نظریه علاوه از فرمان انتخاب اعضای مجلس موسسان اعلامیه انقراض حکومت نظامی از طرف والا حضرت پهلوی رئیس حکومت موقت ایران صادر گردید.

اعلامیه رئیس حکومت موقت مملکت - در این موقع که تمام اعلان انتخابات مجلس موسسان داده شده، مقرر می داریم که ناخاتمه انتخابات مزبور، قوانین حکومت نظامی در نقاطی که برقرار است موقوف الاجرا خواهد بود. رضا (۱۱)»

البته این اعلان به معنی عدم دخالت نظامیان در جریان انتخابات نبود، از طرفی هنوز امور اداری و سیاسی برخی شهرها و نقاط مختلف به عهده امرای ارتش و تحت حکومت نظامی بود، چه شرایط سیاسی اجازه ایجاد فضایی باز سیاسی و عملکرد در چارچوب دموکراتیک را نمی داد و نیاز به حضور نظامی برای برقراری امنیت ضروری می نمود، از طرفی دیگر فرارداشتن نظامیان در رأس تشکیلات اداری و سیاسی با وجود لغو حکومت نظامی، نمی توانست بدون مداخله در انتخابات به نفع فرمانده کن قرار باشد.

نشریه دبلی تلگراف در ۲ نوامبر ۱۹۲۵ (۱۱ آبان ۱۳۰۴) درباره این اعلان می نویسد:

«در یک تلگراف رسیده از تهران صراحتاً اعتراف شده که او رضاخان آن تصمصیم واجعب به حکومت مشروطه و آینده ایران را به عهده مجلس موسسان واگذار نموده و عیش هم آن است که

می خواهد افکار عمومی ملت را نسبت به رژیم آینده حکومت آزمایش کند، زیرا بخوبی می داند که شکل ظاهری حکومت هر چه باشد ولی قدرت واقعی در دست او خواهد بود (۱۲)».

با این همه رضاخان مصر بود که این انتخابات برگزار گردد، اقدام بعدی، تشکیل انجمن نظار انتخابات بود که توجه اهالی (۱۳) در روز ۱۴ آبان در ساختمان دارالفنون از طرف دولت دعوت شدند و از بین مدعوین ۳۶ نفر در چارچوب هیأت های اعلی و فرعی انجمن نظار پنجگانه انتخاب گردیدند. اقلیت های مذهبی و رشتیان، کلیسیان و ارمنه هم دارای انجمن های جداگانه نظار انتخاباتی بودند.

در تهران مطابق اعلان انجمن نظارت انتخابات مجلس موسسان، از روز سه شنبه ۱۹ تا شنبه ۲۳ آبان، از ساعت ۴ قبل از ظهر و از ساعت یک تا ساعت ۷ بعد از ظهر مدت زمانی انتخابات اعلام گردید. بین شعب از محلات پنجگانه شهر تهران محل احد آرا بود که عبارت بودند از (۱۴)

محل دولت و حسن آباد، میدان سپه، عمارت بلذیه، محل سنگلج و قنات آباد، خیابان ارمنه، مسجد حاجی حسن معمار، محل بازار، مسجد شاه، محل چاله میدان، مسجد امین الدوله، محل عودلاجان (بازار، بازار، مسجد آقا بهرام).

تعداد انتخاب شوندگان در تهران ۲۴ نفر بود که رأی دهندگان می بایست تعرفه گرفته و قبل ورود به انجمن نظارت اسم منتخبین را روی کاغذ سفید نوشته و تسلیم کنند. انتخابات تهران پیش از سایر نقاط کشور برگزار گردید. در این میان شرایط خاصی بر اساس نظامنامه انتخابات مجلس موسسان اعلام گردید. انتخاب شوندگان طبق ماده ۹ قانون انتخابات می بایستی:

۱- «تبعه ایران باشند ۲- لااقل بیست سال داشته باشند ۳- در حوزه انتخابیه متوطن یا لااقل از شش ماه قبل از موقع انتخاب در آن جا ساکن باشند» و در ماده ۱۰، افرادی که از حق انتخاب شدن محروم هستند، بدین قرار معرفی گردید: ۱- «نوان ۲- کسانی که خارج از رشت و انهایی که در تحت قیمومت شرعی هستند ۳- تبعه خارجی ۴- اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع شرایط به ثبوت رسیده باشد ۵- اشخاصی که کمتر از بیست سال دارند ۶- ورشکستگان به تقصیر ۷- متکذبان و اشخاصی که به وسایل بی شرفانه تحصیل معاش می نمایند ۸- مرتکبین قتل و سرقت و سایر مفصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده اند ۹- مقصرین سیاسی که بر ضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام اقدام کرده اند (۱۵)»

همچنین در بند ۱۱، افرادی به واسطه شغل و مقام و منصب خاصی از انتخاب شدن و حق رأی محروم بودند؛ نظیر ۱- «اهل نظام بری و بحری به استثنای صاحبمنصبان افتخاری ۲- صاحبمنصبان و اجرای امنه و نظایه در محل خدمت خود (۱۶)».

گذشته از تأکید بر دیانت اسلام، در بند ۹ ابهامی وجود دارد بدین گونه که تعریف مشخص از حکومت می «مقصرین سیاسی» ارائه نشده است. در ذکر این موارد، در اینجا خاطر نشان می شود که اهداف زیر دنبال می گردید. الف) هر یک از مراد و بندگان آن نشان دهنده بخشی



از سیاست‌های انتخاباتی دولت و حساسیت‌های سیاسی و اجتماعی جامعه بوده ب ( پدید آوردن امکان مقایسه موارد تطبیقی آن با انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان.

با ذکر این مطلب شرایط انتخاب شوندگان که در ماده ۱۲ بر آن چنین تصریح شده راعی آوریم: (۱۷)

۱- معتدین به دین حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله باشند، مگر اهل دیانت از نمایندگان طایفه مشرعه (کلیسی و زرتشتی و مسیحی) ۲- تبعه ایران باشند ۳- خط و سواد فارسی به اندازه کافی داشته باشند ۴- در محل انتخاب معروف باشند ۵- سن ایشان کمتر از سی و زیاده از هفتاد سال نباشد ۶- معروف به امانت و درستکاری باشند.

همچنین در ماده ۱۳ اشخاصی که از انتخاب محروم شده‌اند، بدین گونه مشخص شده‌اند: (۱۸)

۱- شاهزاده بلافضل (ابناء و اخوان و اعمام پادشاه [فاجار] ۲- نسوان ۳- تیمه خارجی ۴- مستخدمین امنیه و نظامیه و اهل نظام بری و بحری به استثنای صاحبان اختیار ۵- حکام کل و جزء و معاونین ایشان در قلمرو مأموریت خود ۶- مأمورین مالیه در قلمرو خود.

تصریح سایر مستخدمین دولتی قابل انتخاب هستند به شرایط این که پس از انتخاب برای مدت نمایندگی از شغل خود استعفا دهند. ۷- ورشکستگان به نقص ۸- مرتکبین قتل و سایر مقصرین که موجب حدود قانون اسلامی شده‌اند ۹- متجاهرین به فسق و اشخاصی که فساد عقیده دینی و خروجشان از دین حنیف اسلام در

نزدیکی از حکام شرع جامع شرایط ثابت و بایه شیاع رسیده باشد ۱۰- مقصرین سیاسی که برخود اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام کرده‌اند (۱۹).

به نظر می‌رسد که در تبیین و توسیم این مواد، دیدگاهها و مسائلی خاصه مورد نظر بوده است که محورهای آن عبارتند از:

(۱) احکام و مسایل اخلاقی، مذهبی و دینی

(۲) باورها و شرایط اجتماعی

(۳) مسایل سیاسی

(۴) از بین بردن امکان راهپای خاندان قاجار در این مجلس

(۵) عدم دخالت نظامیان در انتخابات

(۶) مطابق بودن آن با قانون اساسی ضرورته.

در واقع مواد و نظامنامه‌های انتخابات مجلس موسسان، تظاهرات خارجی رویداد سرگزاری و نوع و جگونگی آن بوده و دولت تلاش می‌کرد که حتی الامکان این مواد به گونه‌ای طرح شود که هم خواست‌های رضاخان و هواداران پادشاهی او برآورده و هم در چارچوب فتوای بدون نقص و کامنتی باشد که آمیزه‌ای از خواست ملی، ملاحظاتی مذهبی و گرایش‌های سیاسی بود. علاوه بر این، دستورالعمل‌های اجرایی برای این انتخابات در نظر گرفته شده بود که طبق ماده ۲۶ به تصریح آمده بود «انتخاباتی که مبنی بر تهدید یا تطمیع بوده باشد از درجه اعتبار ساقط است و کسانی که تهدید یا تطمیع کنند، از سه ماهه‌ای یک سال محبرس می‌شود برای یکالی دو دوره انتخابیه از

حق انتخاب محروم خواهند بود» و در ماده ۴۶ تأکید شده بود «در صورت در محوطه انتخاب با داشتن اسلحه اکیداً ممنوع است» (۲۱) .

متن اختفارات فوق از سوی انجمن نظارت بر انتخابات در روز شنبه ۱۶ آبان ۱۳۰۴ ابلاغ عمومی گردید. در این میان انجمن نظارت انتخابات زرتشتیان، کلیمیان و آرامنه، هر کدام در اعلامیه های جداگانه، هم دینان خود را دعوت به شرکت در انتخابات نمودند. بعد از این بود که «انجمن نظارت مرکزی» و «انجمن های محلات پنجگانه» در تهران آغاز به کار کرد. اکثر منابع و اسناد اشاره به این دارند که مراحل اجرایی انتخابات با سرعت انجام می شد، همان طوری که در مواد ۴ و ۵ این تأکید مشخص، و در ماده ۱۶ آمده: «فاصله مابین انتشار اعلان و موقعی که برای دادن تعرفه و اخذ رأی معین می شود نباید متجاوز از سه روز بوده و مدتی که برای دادن تعرفه و اخذ رأی معین می شود به تناسب اهمیت محل از یک الی پنج روز خواهد بود» (۲۲).

انجام این انتخابات در شرایط خاص سیاسی صورت می گرفت که رضاخان را بر عتاق در آن وامی داشت، عواملی از قبیل الف) آشفتگی و سردرگمی اجتماعی.

در شرایطی که جامعه دچار چنددستگی و بیاتکلیفی بوده و سازماندهی سیاسی مشخصی صورت نمی گرفت انجام اقدامات بی دریی می توانست افکار و اذهان جامعه را مغشوش و پذیرای تعبیرات ناگهانی سیاسی گرداند.

### ب) عدم ثبات سیاسی

از هم گسیختگی سیاسی و نیروهای فعال در این عرصه به گونه ای بود که ضرورت شتاب و تسریع در روند انتخابات را بیش از پیش می کرد. با تعصب حوادث از پس غوغای جمهوری دومی یابیم که رضاخان فعال این عرصه بود و با استفاده از عناصر سیاسی طرفدار خود و نیروهای نظامی، در هر زمان می توانست معادلات و موازنه های سیاسی را برهم زده و از آن آشفته بازار بهره ها بگیرد. نمونه مشخص آن ماجرای قتل مازور ایمری و اقدامات سیاسی و انتظامی رضاخان پس از آن است.

### پ) عدم حضور احمدشاه در ایران

این امر تأثیری عمیق در برداشت، خلابی که به نام «شاه» در ایران، تنها به شاه بر می شد، و با توجه به تلگراف های آخر احمدشاه به رضاخان - رئیس الوزرا، که تصمیم خود را در بازگشت به ایران به او ابلاغ کرده بود، دیگر درنگ به هیچ رو، روا نبود.

به دنبال همین رویه بود که نظامنامه، قوانین و اعلانات یکی پس از دیگری ابلاغ و به مورد اجراء می آمد.

مواد چهارده گانه قانون انتخابات از سوی رئیس حکومت موقتی رضاخان، امضا گردید که حکام ولایات موظف به اعلان و اجرای آن بودند (۲۳). عبدالله امیرطهماسبی در انقاد به مواد نظامنامه انتخابات می نویسد: «این نظامنامه انتخابات را محدود مراکز حوزه های انتخابیه نموده و روی هم رفته اجازه مسابقه و مبارزه عمومی نمی داد و قابل بسی مطالعه است» (۲۴). این تلقی در شرایط انتخابات مجلس موسسان، بی ربط به نظر می رسد. در جامعه ای که نه تفکر فردی و نه اجتماعی در زمینه سیاسی شکل نگرفته است، «مسابقه» و «مبارزه

عمومی» جز مناقشات جمعی چه می تواند باشد؟ بین «هیجان عمومی» و «رفتار منسجم سیاسی» تفاوت بسیاری وجود دارد نباید در نظر داشت که جامعه آن روز ایران تا چه حد دارای زمینه و ساختار حرکت های دموکراتیک بوده است. طهماسبی که در آن زمان رئیس حکومت تهران بود، در انتقادی به چندان تند و تیز از جریان انتخابات می نویسد:

«با کوتاهی ساعات ایام و اقتضای فصل، انجمن های انتخابی هر روز تقریباً ده دوازده ساعت کار می کردند و این مدت در ظرف پنج روز کافی برای یک چنین مبارزه حیاتی نبوده و بلافاصله در ادامه می آورده و با وجود این بیست و هفت هزار و یکصد و یک تعرفه صادر و رأی گرفته بودند که وی آن را در تاریخ سیاسی «ملت ایران» هیضامندی «بی نظیر» توصیف می کند (۲۵). البته آمار ذکر شده از سوی امیرطهماسبی مربوط به شهر تهران می شود که استخراج آرای آن در روز پنجشنبه ۵ آذر انجام گرفت و ۲۴ نفر به عنوان نماینده انتخاب گردیدند. تعداد زیاد نمایندگان انتخابی به ماده دوم نظامنامه برمی گردد که بر طبق آن در هر یک از مراکز حوزه های انتخابی دو برابر عده نمایندگان مجلس شورای ملی، برای عضویت در مجلس موسسان انتخاب می گردیدند. افراد انتخاب شده اغلب از رجال سیاسی و مذهبی بودند، که اسامی برخی از آنها به فرار زیر است (۲۵):

احشام زاده ۲۲۸۷۶ رأی

حنی اکبر داد ۲۱۵۵۷

حاج حسین امین الضرب ۲۱۳۸۵

سیدابوالقاسم کاشانی ۲۰۲۷۲

ندین ۲۰۱۳۷

دکتر مهدی سلکزاده ۱۹۵۹۱

حسین پیرنیا (مؤتمن الملک ۱۶۳۷۷) و ...

از آنجایی که سرعت در انجام انتخابات و گشایش مجلس موسسان بسیار مورد توجه بود در ماده ۱۰ نظامنامه پیش بینی شده بود که «پس از آن که دو نژاد اعضا مجلس موسسان در مرکز حاضر شدند، مجلس مزبور از طرف رئیس حکومت موقتی مملکت رسماً افتتاح خواهد یافت» (۲۶). از این جهت، مجلس موسسان با حضور ۲۴۵ نماینده در ۱۵ آذر ۱۳۰۴ شروع به کار کرد که این عده به ۲۶۰ نفر بالغ گردید.

پیش از آن که به انتخابات سایر نقاط پرداختیم لازم است درباره انتخابات در تهران یا کمی مکتب، نظرات مطرح شده را بررسی نمایم. حسین مکی، بکلی منکر انجام صحیح انتخابات بوده و می نویسد: «کسانی حق داشتند انتخاب شوند که در «لیست» و صورت اسامی دولت صورت داده شده بودند. این لیست را شهربانی و داور و چند نفر دیگر تهیه کرده بودند، در تهران مأمور انتخاب اشخاص در لیست، شهربانی بود ولی در شهرستانها مأمورین انتخاب افراد در صورت مزبور رؤسای قشونی بودند».

وی ادامه می دهد «در تهران که مرکز ایران بود و قاعدتاً بایستی انتخاباتش ولو به صورت ظاهر هم شده آزاد باشد اعمال نفوذ کردند و از انتخاب اشخاصی که واقماً دارای آرای طبیعی بودند، جداً جلوگیری نموده و به همین لحاظ هم مشیرالدوله، مؤتمن الملک، مستوفی الممالک، مصدق السلطنه، مدرس، قلی زاده و غیره که در



(مشارالدوله بپاشد را چنین ذکر کرد: «۱۱۶- مشارالدوله ۱۵- نظام‌الدین خان» (۲۹) در این میان اسامی «آقا میرزا سید محمد بهبهانی (یسر آیت‌الله عبدالله بهبهانی کو)، میرزا عبدالحسین نیک پور» و «میرزا حسین خان پیرنیا (مؤمن الملک)» افزوده است. مکی با مقایسه‌ای به چندان مستند بین افرادی که در مجلس ششم و پنجم انتخاب شدند و منتخبین مجلس موسسان، نتیجه می‌گیرد که انتخابات بر اثر زور و اجبار صورت گرفته و معتقد است در دوره ششم که چند ماه بعد برگزار گردید به دلیل این که «تا حدی رأی دهندگان آزادی عمل داشته‌اند»، افراد دیگری به نمایندگی برگزیده شدند (۳۰).

باید این سؤال را مطرح کرد که این ایراد تا چه حد وارد است؟ اگر در نظر بگیریم افرادی مانند میرزاهاشم آشتیانی، احتشام‌زاده، میرزا حسین خان مؤمن الملک هم جزو منتخبین موسسان بودند و هم مجلس ششم و این که واقعا افراد منتخب می‌توانند ملاک صحیحی برای دوری باشند بویژه که مکی در کتابش نام وثوق‌الدوله (عاقده فراراداد) (۱۹۱۹) و سیدحسن تقی‌زاده و... را در فهرست منتخبین مجلس ششم آورده است، این گفته تا چه میزان بر اساس اصول تاریخ‌نگاری می‌باشد؟

در این میان هم باید نظری به «احصاییه دولت در سال ۱۳۰۱ از جمعیت تهران داشت که بر طبق آن جمعیت تهران بالغ ۲۱۰۰۰۰ نفر بوده که از این عده ۹۵۸۵۴ نفر مرد بوده که فقط ۸۶۱ و ۲۲ نفر سواد داشته‌اند و طبق احصاییه دولتی در انتخابات مجلس پنجم ۶۲۷۷ مردان

موقع تغییر سلطنت روی موافق نشان نداده بودند انتخاب نشدند و در عوض کسانی انتخاب شدند که بطور قطع اگر انتخابات آزاد بود از بیست و چهار نفر شاید دو یا سه نفر آنها انتخاب نمی‌شدند، زیرا منتخبین مجلس موسسان دارای حسن شهرت و سابق روشن که مورد اعتماد عمومی باشند نبوده، مردم آنها را بخوبی نمی‌شناختند» (۲۷).

مکی در نظر نمی‌گیرد اولاً مؤمن الملک با ۱۶۳۷۷ رأی از تهران انتخاب گردید و ثانیاً بعید به نظر می‌رسد که مردم تهران افرادی مانند حاج حسین امین‌الضرب، آیت‌الله ابوالقاسم کاشانی، ندین، سلیمان میرزا، امیرهمایون بوشهری و... را شناخته باشند، ثالثاً مشخص نیست که افرادی مانند مصدق السلطنه و مدرس و تقی‌زاده، آیا خود نامزد شده بودند و دولت از این امر جلوگیری کرده یا خیر؟ خصوصاً این که عبدالله مستوفی می‌نویسد: «از کاندیداها هم چون می‌دانستند جز چند روز صرف وقت این کار فایده‌ای ندارد علاقه‌ای به این که خود را پیش بنیاد ندر برون نکرده» (۲۸).

در واقع فهرست اسامی منتخبین را که مکی آورده نامنظم و مغشوش می‌باشد وی در ذکر نام آنها را دو نفر یکی آورده تا جمع ۲۴ نفر منتخبین تکمیل گردد.

به عنوان نمونه نفر دوازدهم که میرزا حسین خان سمعی (ادیب السلطنه) بوده را به این صورت آورده ۵۱۲-ادیب السلطنه محمد ۱۳- حسین خان سمعی «با تقریب سیزدهم که نظام‌الدین حکمت

پایتخت معرفی گرفتند و ۲۰٪ رأی دادند و وکیل اول تهران با فقط ۷/۶٪ رأی انتخاب شد (۳۲) از سوی دیگر، در انتخابات مجلس پنجم که در سال ۱۳۰۲ برگزار گردید، تعداد ۱۹۹۳۷ نفر تعرفه گرفتند که تعداد رأی بدست آمده ۱۹۲۲۶ نفر بود (۳۳).

سازش، تعداد رأی دهندگان انتخابات مومسان از مجلس پنجم بیشتر بوده است و شاید حتی نتوان این امر را دلیل برجیزی دانست چه شرایط اجتماعی، سیاسی هر دو دوره و حتی دوره ششم یا یکدیگر تفاوت های اساسی داشتند و هر گونه مقایسه ای کاملاً بنیاد جنوب این قضیه را در نظر داشته باشد. البته تقریباً در هر دوره انتخابات مشترکاتی هم وجود داشت، اگر در نظر بگیریم که قانون انتخابات سه بار تغییر کرد، ولی در همه ادوار در جریان انجام انتخابات مسایل مشترکی وجود داشت مانند دخالت باسوء استعماره ناموران محلی و دولتمردان و اختصاص نامفوذ و پرداخت رشوه جهت جمع کردن رأی و... قوانین موجود نیز امکان جبه گیری از این گونه اعمال را نمی داد و تغییر آن نیز ممکن نبود چون... این کار به نفع عمده ای از وکلا نبود و بنابراین با اصلاح قانون موافقت نشد (۳۴). بنابراین تفکیک انتخابات مجلس مومسان و در نظر نداشتن جریان شناسی مسئله انتخابات پس از مشروطه امری غیر محققانه است. محورهایی که باید در این جریان شناسی مدنظر باشد، عبارتند از:

الف) فقدان احزاب سیاسی، تشکیلات، ارتباطات و پیوستگی های

جبهه‌ای

ب) حضور کم رنگ روشنیان در انتخابات

پ) بی تفاوتی سیاسی مردم

ت) ناامنی ها و هرج و مرج سیاسی

ث) فقدان آگاهی سیاسی نسبت به مشروطه و مسئله انتخابات

ج) شکل نگرفتن فرهنگ مشروطه و روشن نبودن چارچوب رفتار

سیاسی مبتنی بر آن.

د) حضور و نفوذ گروه و طیفات و روشی ابلات

در این میان سی باستی به رویه و نقش دولت هم توجه نمود، چه نظارت مستقیم و بسیار بر حسن اجرای انتخابات در دستورات دولت و گزارش های حکام ولایات به مرکز منحصر می باشد. به عنوان نمونه تلگراف حاکم خوزستان است بدین مضمون که «مقرر انتخابات کاملان حیث اصول مطابق بوده در موقع مهم و خوب سرعت عمل با تسریعات فوق العاده مرکز اختلافات فرعی اگر هم باشد مضر نیست» (۳۵)، این نظارت به گونه ای بود که در برخی شهرها فرماندهان نظامی با وجود تبع دخالت نظامیان، عامل اجرا بوده و دستورات و نظرات آنان بقدر رسمی با نهضت های حکومت نظامی اعلام و اعمال می گردید. تلفنگرام سرتیپ محمد حسین ایرم در ۱۲ آبان، به حکومت سراب مؤید این سخن است: «... نظر بر این که اراده انجمن حضرت قدر قدرت پهلوی ارواحنا فدا به تشکیل مومسان قوار گرفته است، امر می نمایم بقدرت اقدام لازم در اعلان و تقسیم مراتب به عموم اقدام نموده و مستظر دستورات لازمه بشوید که به مجرد وصول دستور باید شمارندگان انتخاب و بدون اقامه وقت اعرام مرکزی شوند» (۳۶).

پایان قسمت اول

## منابع و توضیحات متن:

۱- قزوینی، دموکراسی در سده هجری، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۳، ص ۲۷۶  
 ۲- تغییرات متعدد در سده هجدهم و نوزدهم انقلابی از مجلس دوم تا پنجم مؤید این سخن است.  
 ۳- نظام ایالتی، شبکه ای گسترده و درهم پیوسته ای از طرف و قیام مختلف است که بدون بررسی آنها هر گونه بررسی تاریخی اساسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ایران ناممکن خواهد بود. این نظام از دیرباز در ایران وجود داشته و پیش از اسلام در کاتب حقت خاندان مادانی پس از آن، مسائل از اعراب در قالب خبیثگی، پس از سده ششم به صورت ایلی درآمد، به شکل ایالت و طوایف در مناطق مختلف ایران ادامه یافت و در این نظام در دوره رضاشاه دچار رفقه ای کوتاه شد و در دوره پهلوی دوم به صورت هزار امین و... درآمد. برای آگاهی از ساختار قدرت در ایران در دوره قاجار و پهلوی اول، انک به: E. Abrahman, A. H. the Structure of Central Authority in Iran, 1871-1896. University of California, Scholars Press, 1997.  
 (این کتاب به ساختار قدرت و مشروعیت سیاسی قاجاریان در قالب فصول مثبت گانه پرداخته است.)  
 ۴- جریان شناسی و تحلیل فرآیند انتقال سلطه، در مقاله ای دیگر مورد بررسی قرار خواهد گرفت که از مذاکرات مجلس پنجم تا پایان مجلس مومسان را در بر گرفته و موضوعات و نظرات مطرح شده را مورد تحلیل قرار خواهد داد.  
 E. Abrahman, IRAN between Two Revolution, Princeton University Press, 1940, P. 118. (one Part)  
 A. Baniati, The Modernization of Iran  
 1921-1941. Stanford University Press, 1961, P=42-50  
 ۵- عبدالله امیرطهماسبی، تاریخ شاهنشاهی رضاشاه پهلوی، مطبعه مجلس، تهران، ص ۲۴  
 ۶- همان، صفحه ۱۲۶  
 ۷- همان، همان صفحه  
 ۸- همان، همان صفحه  
 ۹- همان، همان صفحه  
 ۱۰- همان، همان صفحه  
 ۱۱- همان، همان صفحه  
 ۱۲- فتح الله یون، آشنایی، رستاخیز ایران، مدارای مقالات و نگارشات خارجی ۱۳۹۹-۱۳۹۸، ص ۲۳۳-۲۳۴، ص ۲۸۲  
 ۱۳- عبدالله امیرطهماسبی، همان، صفحه ۲۸۷  
 ۱۴- همان، همان صفحه  
 ۱۵- همان، همان صفحه  
 ۱۶- همان، همان صفحه  
 ۱۷- همان، همان صفحه  
 ۱۸- همان، همان صفحه  
 ۱۹- همان، همان صفحه  
 ۲۰- همان، همان صفحه  
 ۲۱- همان، همان صفحه  
 ۲۲- همان، همان صفحه  
 ۲۳- همان، همان صفحه  
 ۲۴- همان، همان صفحه  
 ۲۵- همان، همان صفحه  
 ۲۶- همان، همان ص ۱۸۷  
 ۲۷- حسین مگر، تاریخ بیست ساله ایران، ج سوم، امیرکبیر، ۱۳۵۷، صفحه ۲۸۴  
 ۲۸- همان، همان صفحه  
 ۲۹- عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج سوم، رونا، ج سوم، ۱۳۷۱، صفحه ۲۶۸  
 ۳۰- حسین مگر، همان، صفحه ۲۸۷  
 ۳۱- همان، صفحه ۲۸۷  
 ۳۲- دکتر محمد مصدق، ۱- میرزا حسن حاد و توقی الذوق (عناقد قزاقان) (۱۸۹۹-۳- میرزاغاشم آشتیانی، ۴- حاج سیدز صافی و زبیدی، ۵- سید حسن تقی زاده، ۶- میرزا حسن مدرس، ۷- میرزا حسن خان مستوفی و... درک، منصوره اتحادیه، انتخابات مجلس چهارم - نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۶، صص ۳۳۷ و ۳۳۷  
 ۳۳- همان، همان، صفحه ۳۳۶  
 ۳۴- همان، چطورن شماره ۹  
 ۳۵- همان، همان، صفحه ۳۳۹  
 ۳۶- سند شماره ۱۸۴۹۳۱۸۱ (۱۳۰۲)  
 ۳۷- سند شماره ۱۸۰۲۶۱۲ (۱۳۰۲)